

تحلیل نظام اجتماعی کار آمد

رضا مرادی خلیفه لو^۱، مهدیه امراللهی نیا^۲

^۱ - دانشجوی مقطع دکترای رشته فلسفه و کلام اسلامی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر (نویسنده مسئول)
^۲ کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

چکیده

دولت و حکومت که در سرنوشت ملتها نقشی اساسی و محوری دارد از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد؛ زیرا دولتها و حکومتها فراهم آورنده زمینه و شرایط رشد و تعالی جوامع می باشند و ملاکها و معیارهای ترقی و بالندگی جز به مدد دولت مقتدر حاصل نمی شود؛ بنابراین سعادت و شقاوت ملتها در گرو اصالت و اقتدار دولتها است طوریکه هیچ ملتی به کمال مطلوب خویش نمی رسد مگر در سایه یک حکومت فاخر و متعالی.

بی تردید همه ملتها به دنبال حاکمیت یک دولت، با همه ویژگیهای برتر هستند تا یک خلأ اساسی در جامعه بر طرف شود و پر واضح است که در طول تاریخ ملتهای مختلف این آرمان بزرگ را تعقیب کرده اند و صد البته که این مهم را تکاپوی تاریخی مردم به طور واضح نشان می دهد؛ اما و هزار اما که در این تلاش طولانی یا هوا و هوس بی حد و حصر افراد ضعیف النفس و یا نبود یک الگوی مناسب فرصتها را به باد فنا داده و آرزوها را بر دلها نهاده.

اجزاء حکومت با عظمت امام مهدی موعود (عج) که در منابع آمده است از هر نظر برای مواجهه نظری با یک حکومت کاملاً فاخر و تأثیر گذار و آرمانی در اختیار ما است تا بتوانیم آنرا غایت تلاشهای خود قرار دهیم و به سمت آن حرکت کنیم که قطعاً آن حکومت متعالی به عنوان نماد تلاشها و فعالیتها در اجزاء کوشش دولتها تأثیر خواهد گذاشت و در اصلاح آنها مؤثر خواهد بود.

مردم، حاکم و کارگزاران و قانون از ارکان حکومتها محسوب می شوند که نمونه بی نظیر آن در حکومت حضرت مهدی (عج) اتفاق افتاده است و همه عناصر تشکیل دهنده در این حکومت به صورت کاملاً منطقی و ایده آل در کنار هم قرار گرفته تا دولتی از هر نظر برجسته به نمایش گذاشته شود.

کلید واژه ها: ساختار، حکومت، دولت، مهدویت و ظهور.

۱. مقدمه:

در منابع اسلامی عصر ظهور چنان اصلاتی دارد و از چنان جذابیتی برخوردار است که هر انسان متعهد و غیرتمندی را که نسبت به آلام بشریت حساس است را به خود جلب می کند تا هم لذت توصیف ببرد و هم از آن به عنوان نماد عزت و آزادی و انسانیت بهره مند شود.

حکومت که ودیعه ای است الهی و اصالتاً به خداوند تبارک و تعالی تعلق دارد در سطح جوامع بشری از خاصیت بی نظیری برخوردار است و جامعه بشری بدون ابزار حکومت نمی تواند به حیات خود ادامه دهد طوری که پیامبر اسلام فرموده اند: الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم و حکومت ابزاری است برای ایجاد نظم و امنیت و عدالت تا در جامعه انسانی ظلم نباشد که اگر در جامعه ای ظلم مستولی شود، آن جامعه از هم می پاشد و بقاء آن متزلزل می شود و نابودی آن حتمی خواهد بود که امیرالمومنین علی (ع) می فرمایند:

" و لیس شیء أذعی إلى تغییر نعمة الله و تعجیل نقمته من إقامة علی ظلم؛ فإن الله سمیع دعوة المضطهدین و هو للظالمین بالمرصاد." (۱)

ترجمه: و هیچ چیز چون بر پا داشتن ستمی نعمت خدا را دگرگون نسازد و کیفر او را نزدیک نیارد؛ زیرا خداوند شنوای دعای ستمدیدگان و در کمین ستمگران است.

به هر حال اکثر انسان ها همیشه به دنبال بهترین نوع حکومت و حاکمیت هستند تا بتوانند مراقب و مواظب عزت و آزادی و شرف انسانی خویش باشند به همین خاطر با چنگ و دندان مبارزه کرده و در طول تاریخ مدل های مختلف و متعددی از نوع حکومت را تجربه کرده اند و بارها و بارها به دنبال شعارهای متنوع راه افتاده اند و از افراد مختلفی پیروی کرده اند که شاید به آرزوی خویش برسند و گمشده ی خویش را پیدا کنند و کعبه مقصود را در آغوش کشند و فاتحه ظلم و ستم و نابرابری را بخوانند و در یک کلام انسانی زندگی کنند و مجبور نباشند که تن به هر حقارتی بدهند.

بنابراین حکومت و دولت همیشه در طول تاریخ برای انسان مهم بوده و سیستم حکومتی فاخر یکی از آرزوها و آمال بشریت می باشد به همین خاطر است که آرمان شهر و مدینه فاضله از سوی کسانی که فکر می کردند انسان به طور معمول می تواند آرمان بزرگ حکومت فاخر را جامه عمل بپوشاند، ارائه گردید و اندر احوالات آن سخنرانی ها کردند و کتاب ها نوشتند و حتی خون و جان هدیه دادند؛ اما زیباترین و شوق انگیزترین دیدگاه عبارت است از اندیشه ای که معتقد است در نهایت حق بر باطل پیروز می گردد و ارزش های انسانی زمانی به صورت همه جانبه استقرار می یابد و جامعه ی ایده آل توسط شخصیتی مقدس و عالی شأن شکل می گیرد. (البته از دید مسلمان شیعه)

۲. نتایج پژوهش

پژوهش حاضر در صدد است که پس از بحث و بررسی به نتایج زیر دست یابد:

- ۱- نوع و ساختار حکومت در تعالی جوامع کاملاً مؤثر می باشد.
- ۲- انسانها همیشه به دنبال استقرار یک حکومت فاخر بوده اند.
- ۳- نبود و یا عدم توجه به الگوهای مسلم، جهت و سمت و سوی فعالیتها را به بیراهه برده است.
- ۴- اسلام بهترین نوع حکومت را توصیه و ساختار آن را ارائه می دهد.
- ۵- حکومت نبوی، علوی و مهدوی نمونه عینی آموزه های اسلامی می باشند.
- ۶- حکومتهای اسلامی بایستی با نصب العین قرار دادن آموزه های مهدوی از انحراف در مدیریت و تربیت جامعه اسلامی پیش گیری نمایند.

۳. تبیین مفاهیم

با توجه به اینکه واژه های ساختار، حکومت و مهدویت، سه ضلع اصلی مباحث ما را تشکیل می دهند، ابتدا لازم است این سه واژه کاملاً تبیین شوند تا بتوانیم پس از پی ریزی مناسب، ساختمان بحث را چنان که شایسته است بنا کنیم.

۱- ساختار یا نظام: ساختار در لغت به معنای ساخت، ساختمان و سازه آمده است. (۲) نظام که از ریشه نظم گرفته شده است به معنی تألیف و ترکیب است. (۳)، به هر حال ساختار و نظام از معانی یکسانی برخوردار هستند طوری که در فارسی و عربی معادل یکدیگر می توانند قرار بگیرند و ساختار حکومت که منظور شکل حکومت است با نظام حکومت مفهوم واحدی را القا می نمایند، البته تفاوت این دو واژه این است که ساخت الزاماً نظم را القاء نمی کند و ساختار یک چیزی ممکن است منظم نباشد، به هر حال در مفهوم لغوی هنگامی که چیزی قرین دیگری شود یا دو شیء به هم ضمیمه گردند آن را نظم و ساخت می گویند البته در هر مورد نظم و ساخت معنای مخصوص خود را دارد، اگر چیزی استقامت نداشته باشد و قوام و ثبات در آن نباشد می گویند نظام و ساختار ندارد و نظام عبارت است از نخی که لؤلؤ یا دانه های تسبیح را در آن ردیف و تنظیم می کنند.

از همین مفاهیم لغوی می توان به معنای اصطلاحی ساختار و نظام پی برد که نظام و ساختار در هر چیزی عبارت است پیکربندی و ارتباط و تعامل اجزای آن چیز برای حرکت به سوی هدف یا اهداف مشخص.

۲- حکومت: از ریشه حکم در لغت به معنی منع برای تربیت و اصلاح آن آمده است، بازداشتن از ظلم و تعدی، حکمت نیز از همین ریشه است که بر علمی اطلاق می شود که انسان را از فعل قبیح باز می دارد و حکمه یعنی لجام چهارپایان زیرا حیوان را مهار می کند. (۴)

حکومت نیز به معنی بازداشتن کسی از ظلم و تجاوز است این معنی در لسان العرب برای واژه حکومت نوشته شده است و اما اصطلاحاً: حکومت دارای دو معنی است: یکی مشخص و دیگری مجرد؛

۱- حکومت به معنی مشخص آن، عبارت است از هیئتی مرکب از افرادی که کار اداره دولت را به عهده دارند... اینکه منتسکیو گفته است حکومت ها بر سه گونه است: جمهوری، سلطنتی و استبدادی، البته باید توجه داشت که قبل از منتسکیو ارسطو این تقسیم بندی حکومت را ارائه داده است، اشاره به همین معنی مشخص حکومت است که خود دارای دو قسمت خاص و عام است. مقصود از معنی عام آن، تمام قدرت دولت است مثل قوه اجرائیه، قوه مقننه و قوه قضائیه؛ اما مقصود از معنی خاص آن، فقط قوه مجریه است...

۲- حکومت به معنی مجرد و انتزاعی آن عبارت است از فرمان روانی یا فن اداره امور و تدبیر و سیاست کارها (۵) بنابراین حکومت عبارت است از ساختار قدرتی که با استفاده از سیاست های مناسب در یک جغرافیای مشخص، مردم و جامعه تحت کنترل و نظارت هستند تا به نحو شایسته تربیت شوند. البته در تفکر اسلامی حکومت حقی است الهی که بر اساس شرایطی به دیگران تفویض می شود. «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فأحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله إن الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب». (۶): ای داوود ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم پس میان مردم به حق داوری کن و از هوی و هوس پیروی مکن که تو را از راه به در می برد. قطعاً کسانی که از راه خدا به در می روند، به سزای آن که روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت خواهند داشت.»

«حکومت و ولایت اولاً و بالذات مختص به خدا است زیرا آفریدگار و مالک و صاحب اختیار همه موجودات است و هر حکومت و ولایتی باید به جعل و اعطاء او باشد مانند ولایت انبیاء و اوصیاء و نواب خاصه ائمه هدی و نواب عامه حجت خدا که مجتهدین جامع شرایط می باشند و ولایت قیّم منسوب از جانب مجتهدین جامع شرایط و ولایت پدر و جدّ و عدول مؤمنین که به جعل الهی است و بیان آن در ذیل آید: آتی جاعل فی الارض خلیفه گذشت و حکم به معنی فصل خصومت یا تعیین حق و باطل یا بیان راه سعادت و شقاوت، هدایت و ضلالت، نجات و هلاکت است که همه از جانب حق و به امر او به وسیله پیغمبران و اوصیاء آنان اجرا می گردد و اختلافات مردم در امور دین و دنیا باید به وسیله حاکم و والی که خود نبی یا امام یا منصوب از جانب آنان به نحو خاص یا عام است حل و فصل شود.» (۷)

به هر حال در مفهوم حکومت معانی زیر مندرج است و یا بهتر بگوییم اساس خیمه حکومت عبارتند از:

۱. حاکم؛ ۲. مردم؛ ۳. قوانین؛ ۴. سرزمین

۳- **مهدویت:** مصدر جعلی مهدی، بنا بر اعتقادات مسلمانان طبق احادیث متعددی که در منابع شیعه و سنی وجود دارد از آل پیامبر (ص)، مهدی ظهور خواهد کرد که ایشان از نسل علی بن ابیطالب (ع) می باشند و بنا به اعتقاد شیعیان حضرت مهدی (عج) امام دوازدهم بوده و در غیبت به سر می برند تا به اذن الهی فرج حاصل شود و با ظهور آن حضرت عدل و داد جهان گستر شود. البته مهدویت دورنمایی از یک سیستم حکومتی است با ویژگی های زیر:

- * حاکم آن امام معصوم و زبده خلایق است.
- * کارگزاران آن افرادی کم نظیر هستند و در ایمان و تقوا سرآمد.
- * این حکومت تابع قوانین اسلام و قرآن بوده، آن را مو به مو اجرا خواهد کرد.
- * مردم در این نظام بی نظیر با سربلندی و عزت زندگی خواهند کرد.
- * آسمان و زمین در وجد و سرور، چهره با برکت خود را نشان خواهد داد.

۴. ضرورت بحث:

با توجه به عطشی که در افکار عمومی جهان وجود دارد و همچنین نظر به فربهی مباحث مهدویت و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) یکی از زیباترین و مؤثرترین منابع اسلامی که امروزه می توان به جهان عرضه کرد، معرفی حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی آن حضرت می باشد، حکومتی که نه فقط برای مسلمانان بلکه قرار است بر کل جهانیان هدیه شود و همه بشریت از نعمات آن بهره مند گردند.

در واقع عصر غیبت، عصر آمادگی برای تحولی عظیم در سطح جهان می باشد تا امام مهربانی ها ظهور کند در حالیکه بیعت هیچ ستمگری به گردن او نیست و او می آید تا کاخ ظلم و ستم را بر سر ستمگران ویران سازد و حامی مستضعفان باشد، بنابراین زمان ما هنگامه آشنایی و کسب معرفت نسبت به آن فرآیند و تحول بی نظیری است که برای بشریت اتفاق می افتد. با توجه به اینکه بنا به اعتقاد مسلمین، اسلام دینی است جهانی و به باور شیعیان تشیع مکتبی است برای همه بشریت، ظهور آن منجی منتظر و حکومت جهانی آن حضرت تحقق آرمان های بلند اسلام و قرآن می باشد که ائمه اطهار (ع) زمینه ساز و مهندس این طرز تفکر بوده اند و شیعیان تربیت شده ی این مکتب هستند که بزرگترین آرزوی مکتبی آنان تحقق این وعده الهی است که به همین خاطر خود را ملزم به ترویج این تفکر ناب می دانند. از سوی دیگر نمای جهان پیش رو نشان از نگرانی های فراوان است و به نظر می رسد آینده نزدیک ما آستن فقر و نابرابری و پرخاشگری است و فساد و ظلم چهره عبوس خود را نشان می دهد، این در حالی است که صاحبان قدرت در جهان امروز نه تنها هیچ طرح مشخصی برای برون رفت از معضلات کنونی و مشکلات پیش رو را ندارند بلکه خود آتش آور معرکه شده اند و اصلاً به نظر می رسد که زبون تر از آن هستند که مشکلات جهانی را بر طرف نمایند. البته ای ن نظر شعارگونه است و علم اقتصاد نظر دیگری دارد که بحرانها و شکوفایی اقتصاد را در جهان توجیه می کند.

امید به آینده و ضرورت امنیت و صلح و انسان دوستی، بارقه های امیدی است که در قلوب انسانهای متعهد شعله می کشد و ندای عدالت، عزت و شرف انسانی را در اذهان و اندیشه ها احیا نموده، انتظار یک حکومت عدالت گستر را در دل ها روشن می سازد.

مسلمانان به عنوان میراث دار اندیشه مهدویت، حامل و حامی تفکر تشکیل حکومت واحد جهانی هستند که با ویژگیهای منحصر به فرد عامل از بین رفتن جنگ و ظلم و ستم و بی عدالتی می باشد و مردم دنیا از نعمت های الهی و منابع طبیعی به طور عادلانه برخوردار می گردند.

لازم است برای کام تشنه بشریت آبی گوارا هدیه شود تا طعم شیرین این چشمه در کام انسان ها معجزه خود را نمایش دهد. آری مهدویت و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) معجزه اسلام است که حتی طرح ها و الگوهایی از آن در این جهان یأس خیز همچون دم مسیحایی است.

برای بهره مندی از آموزه های اسلامی و ایجاد تربیت انسانی بر اساس توصیه های دینی و مکتبی، حکومت بهترین ابزار بوده و عاملی است کلیدی برای اعمال برنامه های سازنده، البته حکومتی که به شکل مناسبی طراحی شده و از نظامی برجسته و فاخر برخوردار باشد.

۵. حکومت اسلامی در دوران غیبت

یکی از مهم ترین مباحث مربوط به دوران غیبت، بحث حکومت اسلامی و ارتباط آن با انتظار می باشد که اکثر فقهای شیعه تشکیل حکومت اسلامی را در عصر غیبت ضروری می دانند و معتقدند که فقها در دوران غیبت ولایت دارند و مناسب ترین افراد برای تشکیل حکومت و جاری نمودن احکام الهی می باشند. البته افراد معدودی نیط پیدا شده اند که دیدگاه تشکیل حکومت اسلامی را قبول نداشته اند و دلایل اصلی مخالفت آنها عبارت است از:

- ۱- برداشت نادرست از روایاتی که گسترش فساد و ظلم را از نشانه های ظهور معرفی کرده اند.
- ۲- استناد به روایاتی که در عصر غیبت هرگونه قیامی را محکوم می دانند.
- ۳- تفسیر نادرست از امامت و رهبری و این تلقی غلط که تشکیل حکومت در دوران غیبت دخالت در امور مربوط به امامت است.

از جمله احادیث مورد استناد مخالفان تشکیل حکومت در عصر غیبت این فرمایش امام صادق (ع) است: کل رایه ترفع قبل قیام القائم (عج) فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله (۸۹): هر پرچمی قبل از قیام قائم (عج) برافراشته شود، صاحب آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می شود.

امام باقر (ع) فرموده اند: و انه لیس من احد یدعوا الی ان یخرج الرجال ان و سیجد من یبایعه و من رایه ضلاله صاحبها طاغوت. (۹۰): هیچ کس مردم را تا خروج دجال فرا نمی خواند مگر اینکه افرادی یافت می شوند که با او بیعت کنند، هرکس پرچم گمراهی بر افراشت صاحب آن طاغوت است.

روایتی نیز از امام سجاد (ع) وجود دارد که می فرمایند: «و الله ما یخرج احد منا قبل خروج القائم، الا مثله کمثل فرخ من و کره قبل ان یتوی جناحه فأخذ الصبیان» (۹۱): به خدا سوگند هیچ یک از ما پیش از قیام قائم (عج) خروج نمی کند، مگر اینکه مثل او مانند جوجه ای است که پیش از محکم شدن بال هایش از آشیانه پرواز کرده باشد، در نتیجه کودکان او را گرفته و با او به بازی پردازند.

تردیدی نیست که این قبیل روایات نه به معنای محکومیت هر قیام و انقلابی است بلکه، قیامی را محکوم می کند که به طور دروغین ادعای مهدویت داشته باشد، بنابراین درخصوص حدیث اول امام صادق (ع) می فرمایند هر پرچمی که قبل از قیام قائم (عج) برافراشته شود صاحب آن طاغوت است مفهوم این فرمایش اگر قیام مردمی باشد منافات دارد با تجلیلی که آن حضرت از قیام های راستین مانند قیام زید بن علی (ع) داشتند. بنابراین در حدیث فوق اشاره ی حضرت به قیام هایی است که با ادعای کذب و دروغین مردم را به سوی خویش دعوت نمایند. این قبیل قیام های دروغین طاغوتی هستند.

در حدیث امام باقر (ع) نیز مسأله کاملاً روشن و مشخص است که امام می فرمایند: هرکس پرچم گمراهی برافرازد طاغوت است. که در این حدیث شریف به هیچ وجه قیام های عادلانه و حق طلبانه محکوم نشده اند.

در فرمایش امام سجاد (ع) نیز آن حضرت «احد منا» را قید آورده اند که اشاره حضرت به قیام ائمه معصومین (ع) می باشد نه قیام های حق طلبانه طول تاریخ و شاید دیدگاه حضرت این باشد که برای قیام یک امام معصوم فعلاً استعداد لازم در مردم وجود ندارد و کاغزاران و نیروهای زنده نیستند تا پا به پای امام معصوم حرکت کنند که البته علت غیبت و عدم قیام حضرت مهدی (عج) نیز همین می باشد و زمانی که استعداد لازم به وجود آمد و شرایط مهیا شد ظهور حتمی است. (الله اعلم)

هرگونه روایت دیگری از این قبیل قطعاً چنین تحلیلی دارد و به دلیل روح تعالیم اسلامی و آموزه های اهل بیت (ع) ممکن نیست که مبارزات ظلم ستیزانه مسلمانان در طول تاریخ محکوم شود.

در هر حال با توجه به روایاتی از ابن قبیله و متقابلاً روایاتی که از قیام های زید بن علی (ع)، قیام توابعین، قیام مختار و قیام ادریس بن عبدالله شهید فخر و ... تمجید نموده اند، سه دیدگاه اصلی وجود دارد:

- ۱- شیعیان در دوران غیبت فقط می توانند امر به معروف و نهی از منکر نمایند و نباید حکومت اسلامی تشکیل دهند.
- ۲- نه تنها لازم نیست حکومت اسلامی تشکیل شود بلکه می بایست به فسادها، ظلم ها و تباهی در جامعه دامن بزنییم.
- ۳- منتظر مصلح خود باشد و زمینه را برای ظهور حضرت آماده کند، بنابراین تشکیل حکومت اسلامی ضرورت دارد زیرا بدون ابزار حکومت نمی توان زمینه سازی کرد.

با تأمل در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) در می یابیم که دو دیدگاه اول کاملاً مخالف آموزه های دین مبین اسلام می باشد و به شدت ناسازگار با اندیشه های بلند اسلام و آیات نورانی قرآن کریم است.

و اما دیدگاه سوم کاملاً مورد حمایت عقل و شرع می باشد. امام علی (ع) در جواب خوارج که حکومت را فقط منحصر در شأن الهی می دانستند فرمود: مردم به هر حال نیازمند امیر و زمامدار هستند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول باشند و کافران نیط بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی راحت داشته باشند، به وسیله او اموال بیت المال گردآوری شود و به کمک او با دشمنان مبارزه کنند. (۹۲)

بنابراین اصل حکومت اسلامی ضرورت عقلی دارد و اما نوع حکومت که مناسب ترین آن مورد تأیید عقلا می باشد چیزی است که همیشه آرزوی خردمندان و متفکران بوده است.

۶. ضرورت حکومت اسلامی

نظر به اینکه انسان موجودی است مدنی و خواهان مدنیت که از فساد و هرج و مرج بیزار است و نظم و قانون را دوست دارد و از آن حمایت می نماید زیرا به دلیل طبیعت فزون خواه انسان اگر نظم و قانون نباشد خوی استخدامگر انسان به ظلم و ستم روی آورده و به بهره کشی از دیگران می پردازد بنابراین بایستی نظم و قانون حاکم باشد و همه افراد شر از وجود نظم و قانون حمایت می کنند البته پس از اثبات اصل ضرورت وجود نظم و قانون در خصوص نوع قانون بسته به اینکه افراد جامعه به دنبال چگونه نظمی در جامعه هستند و از قانون چه توقعی دارند نوع قانون را مشخص خواهد کرد و صد البته که در جامعه دینی به دلیل اینکه مردم خواهان تعالی و سعادت مادی و معنوی هستند قانونی را مطالبه می کنند که الهی و اصیل و حقیقی باشد و بتواند افراد جامعه را به شایستگی مهار و کنترل نماید تا به سعادت واقعی خویش برسند؛ اما در جامعه غیر دینی مسلماً افراد خواسته ای محدود از قانون دارند که عبارت است از فراهم آمدن امنیتی که بتواند به نظام اجتماعی خویش ادامه دهند و در سایه امنیت با خاطر آسوده زندگی کنند.

با توجه به خصوصیت انسان که علاوه بر جنبه طبیعی برخوردار از جنبه های اخلاقی و اعتقادی است ضرورت وجود قانون الهی احساس می شود تا در سایه این قانون کامل به مراتب شایسته خویش در اخلاق و اعتقادات برسد. زیرا جز خداوند متعال هیچکس به مصالح انسان واقف نیست و تنها خدای یگانه صلاحیت طرح قانون مناسب را برای انسان دارد.

به همین خاطر است که عطر خوش آموزه سیاسی و اجتماعی و حکومتی در جای جای منابع اسلامی و مخصوصاً قرآن کریم آشکارا به مشام می رسد و با طراوت دل انگیز جلوه گری می کند.

«هو الذی ارسل مرسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون» (۹۳): خداوند متعال پیامبرش را فرستاد تا با هدایت و دین حق مردم را هدایت کند و دینش را بر تمام مرام ها و حکومت ها پیروز گرداند اگر چه این غلبه و پیروزی به مذاق مشرکین خوش نیاید.

بر این اساس ضرورت تعیین حاکم اسلامی نیز اثبات می شود که برای پیاده ساختن آموزه های اسلامی افرادی واجد شرایط لازم هستند تا به عنوان متخصص دین، متولی قانون الهی گردد. «لتحکم بین الناس بما أراک الله» (۹۴)

پیامبر (ص) می بایست بر اساس وحی الهی میان مردم حکومت کند، با توجه به مطالب گذشته ضرورت حکومت در عصر غیبت نیز مشخص می گردد زیرا در زمان غیبت نیز برای جلوگیری از هرج و مرج قانون و نظم لازم است و البته بهترین قانون

برای جامعه دینی و حتی جامعه بشری قانون الهی است. که اجرای این قانون الهی باید به دست مجریانی صورت پذیرد که آشنایی کافی و لازم به قوانین الهی را داشته باشند که همان ولی فقیه است. البته شایسته تذکر است که آنکه حاکم عصر غیبت است نه شخص فقیه بلکه شخصیت اوست یعنی فقاقت و عدالت است و فقیه امین و متولی اجرای دین است.

۷. ارکان حکومت

در هر نظامی از سیستم های حکومت سه رکن اساسی غیر قابل انکار است که این سه رکن مؤثر در نظام حکومتی ساختار و بدنه اصلی محسوب می شوند و تقریباً فرض حکومت بدون این سه رکن فرضی است محال و غیر قابل قبول که برای به وجود آمدن سیستم حکومتی اولاً: حاکمیتی لازم است یعنی حکومت بدون حاکم نمی شود. ثانیاً: نقطه مقابل حاکم مردم هستند یعنی بافت و پیوندی مردمی که از اجزاء مختلف تشکیل شده و در تعامل پیچیده جامعه ای را به وجود می آورند و برای حفظ امنیت و جلوگیری از هرج و مرج نیازمند حکومت هستند. ثالثاً: قوانین و احکامی که ملاک عمل افراد باشد و بر اساس آن از افراط و تفریط جلوگیری شود.

بنابراین حاکم، مردم و قانون در هر حکومتی شناسنامه آن حکومت محسوب می شود و قوت و ضعف هر حکومتی در گرو قوت و ضعف این سه عامل اساسی است.

حال برای بررسی ساختار حکومت حضرت مهدی (عج) می بایست این سه عامل و ارکان اساسی تبیین شوند.

۱- **حاکم حکومت مهدوی:** حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین امام معصوم که در حال حاضر به صورت غایب از انظار عمومی بوده و در پس پرده غیبت زندگی می کنند اوصاف و خصوصیات دارند که از هنگام ولادت تا هنگام ظهور بیان گردیده است.

ویژگی های جسمانی: پیشانی بلند و درخشان و روی سفید، دو چشم براق، دو کتف ستبر، دو زانوی برگشته، در گونه راستش خالی، صورتی گندمگون، گردنی بسیار زیبا، دارای قامتی نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه، چهار شانه، بینی کشیده، خالی زیبا بر گونه راست.

قوت فوق العاده امام رضا (ع) فرموده اند: «... و انّ القائم هو الذی اذا خرج کان فی سنّ الشیوخ و منظر الشباب قویاً فی بدنه حتی لو مد یدة إلى اعظم شجره علی وجه الأرض لقلعها و لو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها...» (۹۵): آن حضرت در سن پیران است و سیمای جوان نیرومندی آن حضرت به حدی است که اگر به بزرگترین سنگ ها دست اندازد آن را از جا می کند و اگر میان کوه ها نعره کشد سنگ ها از هم می پاشد.

حضرت علی (ع) می فرماید: «یخرج رجل من ولدی فی آخر الزمان ابيض اللون مشرب بالحمرة، مبدخ البطن، عریض الفخذین، عظیم مشاش المنکبین، بظهره شامتان: شامه علی لون جلد و شامه علی شبه شامه النبی (ص)...» (۹۶): مردی از فرزندان من در آخر الزمان قیام می کند، رنگش سفید و آمیخته به سرخی و شکمی برآمده دارد، ران های سنبر و شانه هایی قوی دارد، به پشت او دو خال است، یکی رنگ پوست است و دیگری مثل مهر نبوت پیامبر (ص)...؛ باز حضرت علی (ع) فرموده اند: «... و هو الرجل أجلی الجبین، أفتی الأنف، صخم البطن، ازیل الفخذین، یفخذہ الیمنی شامه، أفلج الثنایا...» (۹۷): او مردی بلند پیشانی و بینی باریکی دارد که میانش قدری برآمده است، شکمش برآمده، ران هایش درشت و پهن است، خالی بر ران راست او قرار دارد، میان داندان های پیشین او فاصله است...

۸. ویژگی های شخصیتی و اخلاقی آن حضرت:

نکته اول اینکه آن حضرت ولادتی مخفی داشتند که این سنت انبیاء است، مثل حضرت ابراهیم (ع) که مخفی زاده شد. امام صادق (ع) می فرماید: «انّ لصاحب هذا الأمر بیتاً یقال له بیت الحمد فیه السراج یزهر منذ وُلد إلى یوم یقوم بالسیف لایطفأ» (۹۸): برای صاحب این امر خانه ای است که به آن بیت الحمد می گویند در آن چراغی است که از هنگام ولادت روشنی می بخشد تا روزی که با شمشیر قیام کند.

آن حضرت پایان بخش سلسله امامت است که خود حضرتش فرمودند: «أنا خاتم الأوصياء و بی يدفع الله عز و جل البلاء من اهلی و شیعتی» (۹۹): من خاتم اوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد. پیامبر (ص) فرمودند: معاشر الناس إتی نبی و علی وصی ألا إنَّ خاتَمَ الأئمة منَّا القائم المهدی... (۱۰۰): ای مردم! من پیامبرم و علی جانشین من است، آگاه باشید که خاتم الأئمة، قائم مهدی از ماست.

آن حضرت به هنگام ظهور بسیاری از میراث انبیاء را به همراه دارد از جمله: پیراهن رسول خدا و عمامه آن حضرت و همچنین زره ایشان و سلاح و پرچم آن حضرت را به همراه خواهد داشت، سنگ و عصا و تشت قربانی حضرت موسی (ع) و انگشتری حضرت سلیمان (ع).

حضرت علی (ع) از پیامبر (ص) نقل فرمودند: «المهدی من ولدی، تکنون له غیبه و حیره، یضِلُّ فیها الامم یأتی بذخیره الأنبیاء فیملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً» (۱۰۱): فرزندم مهدی (عج) یک غیبت و حیرتی دارد که امت ها در آن گمراه شوند. او با میراث و ذخیره انبیاء می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند در حالی که از ظلم و جور پر شده است.

البته بایستی توجه داشت که آوردن میراث انبیاء دو کارکرد عمده دارد که یکی این است که این میراث حجت حقانیت آن حضرت می باشد و دیگر اینکه حضرت مهدی (عج) آرزوی همه انبیاء را به بار می نشاند و محقق می سازد.

از دیگر ویژگی های آن حضرت این است که بیعت هیچ احدی را به گردن ندارد. حضرت علی (ع) می فرماید: «أَنَّ الْقَائِمَ مَتَّأ إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بِيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَوَلَادَتُهُ وَیَغِيبُ شَخْصَهُ» (۱۰۲): قائم از ما اهل بیت، وقتی قیام کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین خاطر ولادتش مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است.

حضرت امام زمان (عج) برخوردار از عمری طولانی است. امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «ذاک التاسع من ولد أخی الحسین ابن سیده الإمام یطیل الله عمره فی غیبه ثمَّ یظهره بقدرته فی صوره شابّ ابن دون الأربعین سنه ذلک لیعلم أنَّ الله علی کل شیءٌ قدیر» (۱۰۳): او نهمین نسل از فرزندان برادرم املم حسین (ع) است که فرزند سرور کنیزان است، خداوند عمر او را در دوران غیبت طولانی می گرداند، سپس با قدرت خویش او را در سیمای جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست.

۹. حضرت امام مهدی (عج) شیطان را می کشد.

وهب بن جمیع می گوید: از حضرت امام صادق (ع) پرسیدم: این که خداوند به شیطان فرمود: فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ الی یوم الوقت المعلوم (۱۰۴): خداوند فرمود: آری به تو (شیطان) مهلت داده خواهد شد تا هنگام وقت معین و روز معلوم، این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: آیا پنداشته ای این روز روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را مبعوث می کند و اجازه قیام می دهد، حضرت به مسجد کوفه می رود، در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: ای وای بر من از امروز!

حضرت مهدی (عج) پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد. (۱۰۵)

نزول حضرت عیسی (ع) و اقتدا به حضرت مهدی (عج) نیز یکی دیگر از ویژگی های امام زمان (عج) محسوب می شود. امام صادق (ع) به ابوبصیر فرمودند: یا ابابصیر هو الخامس من ولد ابنی موسی، ذلک ابن سیده الاماء، یغیب غیبه یرقاب فیها المبتلون، ثمَّ یظهره الله عز و جل فیفتح الله علی مشارق الأرض و مغاربها و ینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الأرض بنور ربها ... (۱۰۶): ای ابوبصیر او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن تردید کنند، پس خداوند متعال او را ظاهر سازد و به دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و حضرت عیسی (ع) فرود آید و پشت سر آن حضرت نماز گذارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد.

ایجاد حکومت واحد جهانی نیز از ویژگی های آن حضرت است که امام محمد باقر (ع) می فرماید: «القائمُ بنا منصور بالربع، مؤید بالنصر، تطوی له الارض و تظهر له الکنوز، یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و یظهر الله عز و جل به دینه علی الدین کله

ولو کره المشركون فلا يبقى في الأرض خراب إلا قد عمّر و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه» (۱۰۷): قائم ما با افکنند بیم و هراس در دل ستمگران، یاری می شود و با حمایت الهی تأیید می گردد، زمین برایش خاضع و تسلیم می گردد و گنج ها برایش نمایان می شود. حکومت او شرق و غرب را فرا می گیرد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمامی ادیان چیرگی و غلبه می بخشد، هرچند مشرکان کراحت داشته باشند در عصر ظهور در زمین خرابی و ویرانی نمی ماند، مگر آنکه آباد می شود، عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر او نماز می گذارد.

با استقرار حکومت واحد جهانی توسط آن حضرت حال نوبت آکنده کردن زمین از عدل و داد است که فقط توسط امام مهدی (عج) اتفاق می افتد که امام علی (ع) فرمودند:... الحادی عشر من ولدی هو المهدی الذی یملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً (۱۰۸): یازدهمین از فرزندانم مهدی است که زمین را از عدل و قسط آکنده می سازد، آن گونه که از جور و ظلم پر شده است. البته روایات مختلفی در این خصوص وارد شده است.

بنابراین حاکم جامعه مهدوی امام معصومی است که از سوی پروردگار متعال مأموریت دارد زمین را پر از عدل و داد کند و ظلم را ریشه کن سازد، این حاکم برجسته از هر نظر انسان بی نظیری است که توانمندی های فوق العاده دارد و ویژگی های جسمی و خصوصیات اخلاقی و رفتاری ایشان در کمال مطلوب و مایه به بار نشستن آرزوها و آمال بشریت در طول تاریخ خواهد بود. او فقط بنده خدا است و به همگان به مهربانی نگاه می کند این در حالی است که حاکمان جهان به فکر استثمار و استبداد هستند هدف آن حضرت آسایش مردم، آزادی و معنویت و بندگی خداوند متعال است. آن حضرت صالح ترین انسانی است که ظلم و فقر و پریشانی، نا امنی و بی عدالتی را از بین می برد.

آری همه پیامبران و حاکمان الهی به دنبال ایجاد چنین شرایطی بودند تا بشریت طعم شیرین عبودیت و بندگی الهی را بچشد و زیبا زندگی کند که به وسیله امام مهدی (عج) محقق خواهد شد.

۲- مردم: بی تردید آحاد جماعتی که اجتماع و امت اسلامی را تشکیل می دهند در نظام اسلامی مردم محسوب می شوند که حکومت و حاکم و کارگزاران و قانون به خاطر آنها به وجود آمده اند تا در جامعه اسلامی مدیریت کنند و موجب پیشرفت و تربیت شوند. به هر حال مردم در نظام اسلامی صرفاً یک جمعیت منفعل نیستند بلکه فعالانه در نظام اسلامی نقش آفرینی می کنند و طبق تکالیف شرعی عمل می کنند واجبات را انجام می دهند از محرّمات پرهیز می کنند و در حرکت رو به جلو جامعه اسلامی رسالت و مسؤولیت خویش را به عهده می گیرند و از جامعه جدا نمی شوند و بی تفاوت نیستند؛ اما اتفاقاً به همین دلیل که فرد مؤمن و معتقد رسالت خویش را و مسؤولیت خود را می فهمد و فعالانه درصدد ایفای نقش است ایجاد تضاد و تعارض می کند که در آن یک طرف می شود جبهه حقیقت و طرف دیگر جبهه باطل و فریب و دروغ مردم که حاکمان و کارگزاران نیز که از میان آنها بر می خیزند دچار تعارضاتی هستند که برخی از این تضاد و تعارض درونی است و برخی دیگر تعارض ظاهر و بیرونی و اما تعارض درونی عبارتند از: ۱- مشکل رابطه بشر با خدا، خود و دیگران ۲- احساس تنهایی در میان انبوه جمعیت ۳- شدت سرخوردگی و کثرت اضطراب ها ۴- احساس محدودیت زیرا اکثر مردم فکر می کنند به آنچه می خواهند در جهان نمی رسند ۵- ماشین زدگی و جدایی اعتقادی ۶- تخدیر و تخطئه فطرت؛ و اما تعارضات بیرونی عبارتند از: ۱- بینش های گوناگون ۲- جناح بازی و تخریب.

همین تعارض ها و تضاد ها است که باعث می شود تعادل و توازن در جهان نباشد و جهل و فقر و مرض همه جا را فرا بگیرد و ظلم در عالم مسلط شود که در نهایت موجب می شود ارزش انسانی و عیار آدمیت به شدت سقوط نماید و زور مداران پنجه در پنجه شوند.

مردم در یک جامعه ظالمانه که تضاد و تعارض در آن جاری است دچار انواع تبعیض ها هستند اعم از تبعیض سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که رهاورد آن جنگ و خونریزی است. مردم نیز در برابر این تضاد و تعارض یا تمکین می کنند و سر سپرده می شوند و یا در حالت اعتراض قیام می کنند و وارد مبارزه می شوند، آرزو و آمال مردم در مواجهه با این تبعیض و تعارض ها این است که روزی از این مخمصه خلاص شوند و ساحل امنی برای آنها ایجاد شود که در اطراف این مسأله دیدگاه های مختلفی به وجود آمده است، برخی خوش بینانه و برخی بد بینانه؛ اما اسلام در این خصوص نظر خاصی دارد که

مردم مسلمان نیز با الهام از این دیدگاه خود را برای امری بزرگ همیشه آماده نگه می دارند و در جهت تحقق آن آرمان با امید فعالیت می نمایند.

اسلام نسبت به آینده بشر خوش بین است و پیروزی حق و عدالت را به باطل وعده می دهد و پدید آمدن عصری طلایی را به مردم نوید می دهد.

اسلام به ما می آموزد که مردم ضعیف و ستم کشیده وارث و حاکم زمین خواهند شد و عمر استعمار و استثمار جاودانه نیست نظام های ظالمانه از بین می روند و نظام عدل الهی در جهان حاکم می شود. حکومتی پدید می آید که بر اساس عدل و انصاف حکم می راند و مردم از مواهب الهی در حدّ نیاز خویش بهره مند می شود و هیچ کس محروم نمی ماند و نظام طبقاتی و ستمگر از بین می رود.

بنابراین در حکومت مهدوی مردم عزیز و محترم هستند و ولی نعمت محسوب می شوند که همه شرایط مهیا گردیده است تا آنان اکرام شوند و از انسانیت دلجویی شود و انسانها به انسانیت خویش ببالند.

پس به حق می توان گفت که حکومت مهدوی یک حکومت مردمی است و مردم در این حکومت نقش محوری دارند و کاملاً از عنایات حکومت حق برخوردارند.

امکانات حکومت مهدوی دم دست و کاملاً در اختیار مردم است و هیچ کس محروم نمی شود و همگان برخوردارند. با گسترش تولید و توسعه برکات و همچنین توزیع عادلانه رفاه عمومی ایجاد خواهد شد و در تمام زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی آرزوهای بشر به بار خواهد نشست.

کارگزاران: مسلماً برای انجام کار بزرگی که در حکومت مهدوی می خواهد صورت بگیرد در کنار حضرت مهدی (عج) افرادی لازم است تا به عنوان یار و انصار و کارگزاران آن حضرت به انجام امور مختلف بپردازند و اهداف قیام را پیش ببرند و البته این کارگزاران می بایست در خصایص و ویژگی ها لازم است به رهبر و امامشان بسیار نزدیک باشند و از حیث معرفت و ایمان و اخلاق شایستگی حضور در محضر امام معصوم را داشته باشند و دستورات و اوامر امام عدالت پیشه را با حال و دل پذیرا باشند. که در روایات مختلف از این افراد یاد شده است و به مشخصات و ویژگی های آنان پرداخته اند.

۱۰. ویژگیهای یاران امام زمان (عج):

۱- در تفسیر آیه ۸ سوره هود که می فرماید: «و لئن احزفا عنها العذاب الی امه معدوده» امام صادق (ع) فرمودند: ان الأمه المعدوده، هم أصحاب المهدی فی آخر الزمان، ثلاثاً و ثلاثه عشر رجلاً كعده اهل بدر، یجتمعون فی ساعه واحده كما یجتمع قزح الخریف» (۱۰۹): امام صادق (ع) فرمودند: امت معدوده در آیه شریفه اصحاب حضرت مهدی (ع) در آخر الزمان هستند که سیصد و سیزده نفر به تعداد یاران پیامبر (ص) در جنگ بدر هستند، در یک ساعت همچون ابرهای پراکنده پاییزی گرد حضرت جمع می شوند.

۲- از امام صادق (ع) در مورد آیه ۱۴۸ سوره بقره «فاستبقوا الخیرات اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً» آورده اند که فرمود: یعنی اصحاب القائم، الثلاثمأه و بضع عشره و هم - والله - الأمه المعدوده، یجتمعون فی الساعه واحده كقزح الخریف» (۱۱۰) این آیه اشاره دارد به سیصد و چند ده نفر از یاران حضرت مهدی (ع) که به خدا سوگند آنان در شماره اندک هستند اما در کارآیی و ایمان و شکوه معنوی، بسیار. همچون ابرهای پاییزی ظرف یک ساعت از سراسر گیتی دور حضرت جمع می شوند.

۳- امیر مؤمنان علی (ع) می فرمایند: «یجتمعون قزعا كقزح الخریف من القبائل، ما بین الواحد و الاثنین و الثلاثه و الأربعة و الخمسه و الستة و السبعه و الثمانیه و التسعه و العشره» (۱۱۱): یاران آن حضرت همچون ابرهای پراکنده پاییزی از نقاط و قبایل و نژاد های مختلف یکی یکی، دوتا دوتا ... ده نفر ده نفر در کنار آن حضرت جمع می شوند.

۴- امام باقر (ع) می فرماید: «اصحاب القائم ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلاً، اولاد العجم، بعضهم یحمل فی السحاب نهرا، یصرف اسمهم و اسم ابیه و نسبه و حلیته و بعضهم نائم علی فراشه، فیوفیه فی مکه علی غیر میعاد» (۱۱۲): اصحاب آن حضرت

سبب و سبزه مرد هستند، برخی از آنها روی ابر برده می شوند در روز روشن در حالی که نام و نشان و حسب و نسب آنان شناخته شده است و برخی از بستر خویش ناگاه به خدمت حضرت برده می شوند بدون اینکه خبر داشته باشند.

۵- علی (ع) می فرماید: «ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم ألا كالكلج في العين، او كالملاح في الزاد و أقل الزاد الملاح» (۱۱۳): یاران حضرت جوان هستند و سالخورده در میانشان اندک است همچون سرمه در چشم یا نمک در طعام و کمترین جزء طعام نمک است.

۶- حضرت علی (ع) فرمودند: «... فيجمع الله تعالى له قوماً، قزع كقزع السحاب، يؤف الله بين قلوبهم، لا يستوحشون من أحد و لا يفرحون بأحد يدخل فيهم، على عده أصحاب بدر لم يسبقهم الأولون و لا يدرکهم الآخرون...» (۱۱۴): خداوند گروهی را کنار آن حضرت جمع می کند که همچون ابرهای پراکنده پاییزی به هم پیوسته می گردند. میان دل‌های آنان پیوندی از مهر و ایمان به وجود می آورد که نه از قدرتی می هراسند و نه به خاطر پیوستن فرد یا قدرتی به گروهشان دچار شادمانی و غرور می گردند، شمارشان به عدد یاران پیامبر (ص) در بدر است و از نظر مقام و منزلت نه گذشتگان از آنان سبقت جسته اند و نه آیندگان به آنان می رسند.

۷- امام صادق (ع) می فرماید: فیصیر الیه أنصاره من اطراف الأرض، تطوی لهم طیا، حتی یبایعوه. (۱۱۵): یاران آن حضرت از گوشه و کنار به سوی او می شتابند و زمین زیر پای آنها در هم می پیچد تا هرچه سریعتر با آن حضرت بیعت نمایند.

۸- مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمودند: اذا اذن الأمام دعا الله باسمه العبرانی فأیتحت له صحابته الثلاثمائة و ثلاثة عشر قزع كقزع الخريف فهم أصحاب الألويه منهم من يقدر من فراشه ليلا فيصبح بمكة و منهم من يری يسير في السحاب نهراً يعرف باسمه و اسم ابیه و حلیته و نسبه، قلت جعلت فداك أيهم اعظم إيماناً؟ قال: الذی يسير في السحاب نهراً و هم النفقودون و فيهم نزلت هذه الآية «أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعاً» (۱۱۶): هنگامی که آن حضرت اذن ظهور دریافت کند، خداوند را می خواند و یاران او که ۳۱۳ نفر هستند همچون ابرهای پراکنده پاییزی گردش حلقه می زنند، اینها یاران زبده حضرت محسوب می شوند که برخی شبانه از بستر خویش، فردا در مکه ركب حضرت هستند و برخی روزانه بالای ابرها سیر می کنند با نام و نشانی مشخص. راوی می پرسد: فدایت شوم کدام یک از این دو گروه برجسته ترند؟ می فرماید: گروهی که روزانه بالای ابر سیر می کنند، که در حق آنها آیه شریفه نازل شده است هر جا باشید خداوند شما را گرد هم می آورد.

۹- فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمودند: له كثير بالطالقان ما هو بذهب و لا قضه و رایة لم تُنشر منذ طويت و رجال كان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله أشد من الحجر، لو حملوا على الجبال لأزالوها لا يقصدون براياتهم بلدة إلا خربوها كأن على خيولهم العقبان، يتمسحون بسرج الإمام (ع) يطلبون بذلك البركة و يخفون به يقونه بأنفسهم في الخروب و يكفونه ما يريد فيهم رجال لا ينامون أليل، لهم دوى في صلاتهم كدوى النحل يبيتون قياماً على أطرافهم و يصحون على خيولهم رهباناً بالليل ليوث بالنهار هم اطوع له من الأمه لسيدتها كالمصباح كأن قلوبهم القناديل و هم من خشية الله مشفقون يدعون بالشهادة و يتمنون أن يقتلوا في سبيل الله، شعارهم يا لثارات الحسين. اذا ساروا يسير الرعب أممهم مسيرة شهر، يمشون إلى المولى إرسالاً بهم ينصر الله الحق. (۱۱۷)

برای آن حضرت گنجی است در طالقان نه از طلا و نقره، مردانی که قلوبشان که قلوبشان پاره های آهن است و استوارند و هرگز درباره خداوند دچار شک و تردید می شوند، اگر بر کوهها هجوم آورند آن را متلاشی می کنند، به هر جا حمله کنند پیروزمندند، چنان به امامشان وفا دارند که زمین اسب حضرت را مسح می کنند و از آن برکت می خواهند متکی به نفس، شب زنده دارند و اقامتگاهشان همچون کندوی زنبور عسل است. راهبان شب و شیران روز هستند، از خوف خدا لرزانند و آرزویشان شهادت است و شعارشان یا لثارات الحسين وقتی پیشروی می کنند رعب آنان یک ماه پیشتر در دل دشمنان می افتد و ...

۱۰- ابو خالد کابلی از امام محمد باقر (ع) نقل کرده اند که فرمودند: «... هو والله المضطر في كتاب الله في قوله أمّن يجيب المضطر اذا دعاه و يكشف سوءه و يجعلكم خلفاء الأرض فيكون أول من يبائة جبرئيل ثم امثالا ثمائه و الثلاثة عشر فمن كان

ابْتَلِيَ بِالْمَسِيرِ وَافِي وَ مَنْ لَمْ يُبْتَلْ بِالْمَسِيرِ فَقَدْ عَنِ فِرَاشِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اميرالمؤمنين صلوات الله عليه هُم المفقدونَ عَن فَرَشِهِمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً، قَالَ الْخَيْرَاتِ الْوَلَايَةُ؛ وَ قَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ وَ لَنْ أُخَذْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ وَ نَعْمَ وَ اللَّهُ اصْحَابُ الْقَائِمِ (ع) يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهُ إِلَيْهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَإِذَا جَاءَ إِلَى الْبَيْدَاءِ يَخْرُجُ إِلَيْهِ جَيْشُ السَّفِيَانِيِّ فَيَأْمُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ فَتَأْخُذُ بِأَقْدَامِهِمْ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ وَ قَالُوا أَمَنَّا بِهِ، يَعْنِي الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ جَبَلٍ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ يَعْنِي أَلَّا يُعَدَّبُوا كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلِ يَعْْنِي مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ هَلَكُوا، إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكِّ مَرِيْبٍ» (۱۱۸): اول کسی که با حضرت بیعت می کند جبرئیل است و بعد از او سیصد و سیزده نفر که هرکس از یاران آن حضرت حرکت کرد، همان ساعت به مکه و به حضور او می رسد و هرکس در خواب مانده و به راه نیفتاده باشد در بسترش ناپدید گردیده و در حضور ایشان حاضر می شود و همان است که حضرت علی (ع) فرمودند: ناپدیدشدگان در بستر خود.

۱۱- علی بن ابی حمزه از امام صادق (ع) نقل کرده اند که فرمود: بینا شباب الشیعه علی ظهور سطوحهم نیام اذ توافوا إلی صاحبهم فی لیلہ واحده علی غیر میعاد فیصبحون بمکه. (۱۱۹): به هنگام ظهور آن حضرت، جوانان شیعه همانگونه که در پشت بامهایشان خوابند. همگی یک شب بدون وعده قبلی در سحرگاه در مکه حاضر می شوند.

۱۲- حضرت علی (ع) فرمودند: «... ألا و ان المهدي أحسن الناس خلقا و خلفا، ثم اذا قام، یجتمع الیه اصحابه، علی عده اهل بدر و هم ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلاً، كأنهم لیوث قد خرجوا من غاباتهم، مثل زبرالحديد، لو أنهم هموا با زاله الجبار الرواس لازالوها عن مواضعها فهم الذين وحدوا الله حق توحیده، لهم بالیل اصوات كأصوات الثوا كل خوفاً و خشیه من الله تعالی قوام اللیل، صوام النهار، کتما رباهم اب واحد و ام واحده، قلوبهم مجتمعه بالمحبه و النصیحه ألا و إني اعرف أسماءهم و أمصارهم...» (۱۲۰): مهدی (ع) در خلق و خلق بی نظیر است، به هنگام قیام یاران آن حضرت که ۳۱۳ نفر به عدد یاران پیامبر (ص) در جنگ بدر هستند همچون شیر گرد او حلقه می زنند چونان پاره آتش اگر اراده کنند کوه ها را متلاشی می کنند. به حق موحد هستند، شب ها صدای ناله آنان مادر فرزند مرده را می ماند. همانند هم هستند گویی از یک پدر و مادر زاده شده اند؛ و دلهایشان لبریز از مهر و محبت است که من نامشان را می دانم و شهرهایشان را می شناسم.

۱۳- امام باقر (ع) فرمودند: «یبایع القائم (ع) بین الركن و المقام ثلاثمائه وئيف، عده اهل بدر، فیهم النجباء من اهل مصر و الأبدال من اهل الشام و الأخیار من اهل العراق» (۱۲۱): بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به عدد یاران بدر با حضرت مهدی (عج) بیعت می کنند، چهره های برجسته از مصر و شایستگی از شام و خوبانی از عراقند.

۱۴- حذیفه از پیامبر (ص) نقل می کند که فرمودند: «اذا كان عند خروج القائم، ینادی مناد من السماء: أيها الناس، ان الله قطع عنکم مده الجبارین و ولی الأمر خیر امه محمد صلی الله علیه و آله و سلم فألحقوا بمکه، فیخرج النجباء من مصر و الأبدال من الشام و عصاب العراق. رهبان باللیل، لیوث بالنهار، کان قلوبهم زبر الحديد فیبا یعونه بین الركن و المقام» (۱۲۲): پس از ندای آسمانی برای پایان کار ستمگران اهل فضیلت از مصر و مردان استوار از شام و جوانانی از عراق بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند که زاهدان شب و شیران روز هستند دلهایشان پاره آهن است.

- ۱- کاملاً شناخته شده اند.
- ۲- بی نظیر هستند.
- ۳- حضور آنان در مکه به صورت طی الارض خواهد بود.
- ۴- در اوج یقین و اخلاص هستند.
- ۵- کاملاً امام خویش را قبول دارند و در رکاب او جانبازی می کنند.
- ۶- زاهدان شب و شیران روز هستند.
- ۷- انسان های بصیر و آگاه هستند و در اوج آگاهی به سر می برند.
- ۸- اکثرأ جوان هستند.

- ۹- دل هایشان به هم پیوسته است و اتحاد و برادری دارند.
- ۱۰- مشتاق شهادت هستند.
- ۱۱- مسؤولیت پذیرند.
- ۱۲- شعارشان یا لثارات الحسین است.
- ۱۳- مغرور نیستند اما وحشت نیز در دل آنها راه ندارد.
- ۱۴- از شهرهای مختلف در بین رکن و مقام گرد هم می آیند.
- ۱۵- ولایتمدار هستند.

۳- قانون: همه احکام و برنامه ها و قوانین مهدوی بر اساس عدل و در چارچوب انسانیت طراحی شده است و کاملاً الهی است. در جامعه مهدوی همه چیز بر اساس مبانی عادلانه در جای خویش قرار می گیرد و اجزاء زندگی انسان مالمال از عدل و انصاف می شود.

امام صادق (ع) فرمودند: «مهدی (ع) عدالت را وارد خانه های مردمان می کند همچنان که سرما و گرما وارد خانه می شود و عدالت او همه جا را فرا می گیرد» (۱۲۳)

به نظر می رسد که اولین همت حضرت مهدی (عج) نه پرداختن به توحید و نه نبوت و معاد بلکه عدالت است و برچیدن ظلم از کره خاکی، زیرا آنچه بلای جان سوز انسان ها شده است شیوع ظلم در اشکال مختلف است. انسان ها علیرغم اینکه خدا را می شناسند و به رسالت انبیاء ایمان آورده اند و قوانین الهی را فاخر می دانند اما روح فزونخواه و سلطه گر و متکبر مستبدان نمی گذارد این قوانین فاخر پیاده شود و امام می آید تا قوانین الهی را پیاده نماید و زمین را از عدل و داد پر سازد و ظلم و جور را ریشه کن کند.

به هر حال قانونی که در جغرافیای حکومت امام مهدی (عج) به مورد اجرا گذاشته می شود همان احکام و قوانینی است که در فضای حکومت رسول اکرم (ص) به مورد اجرا گذاشته می شد و پیامبر (ص) آن را از جانب خداوند متعال آورده است، از میان احکام اسلامی برخی فراموش شده است و برخی به انحراف کشیده شده است و برخی امکان اجرا پیدا نکرده است؛ به وسیله امام زمان (عج) همه ابعاد قوانین الهی پیاده خواهد شد و هیچ حکمی تعطیل نخواهد شد.

قوانین حدود و ارث و قصاص و حکم رهن و وثیقه و احکام قطایع و ثروت ها... همه و همه با قدرت و دقت اجرا خواهد شد. «لایترک بدعه الا ازلها و لاسنه الا احيها» (۱۲۴): هیچ بدعتی بر جای نمی ماند و هیچ سنتی بر زمین نمی ماند و به وسیله آن حضرت اصلاح می شود.

امام رضا (ع) فرمودند: «آنگاه که حضرت مهدی (عج) ظهور کند، ترازوی عدالت را در جامعه برقرار می کند و از آن پس کسی به دیگری ظلم نمی کند» (۱۲۵)

آن حضرت، حق هر قدراری را می گیرد حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون می کشد و به صاحبش بر می گرداند، او در راه اجرای حکم خداوند و استقرار بخشیدن به دین خدا، به سخن کسی گوش نمی دهد و نکوهش کسی را نمی شنود. (۱۲۶)

۱۱. پس از ظهور

ظهور به معنای آشکار شدن چیز پنهان است که در اصطلاح مهدویت ظاهر شدن حضرت مهدی (عج) پس از غیبت طولانی ظهور نامیده شده است.

البته فرق است بین ظهور و قیام که ظهور بیرون آمدن از اختفاء است و قیام یعنی انقلاب و اقدام عملی. آن حضرت پس از ظهور و به دنبال قتل نفس زکیه در کنار کعبه بین رکن و مقام با یاران خویش ملاقات می کند و با تکیه بر مسجدالحرام ندا سر می دهد: ایها الناس! انا نستنصر الله و من أجابنا من الناس بالله و بمحمد صلی الله علیه و آله وسلم فمن حاجنی فی آدم فأنا اولی الناس بآدم ... فمن حاجنی فی محمد صلی الله علیه و آله وسلم فأنا اول الناس بمحمد ... فأنا بقیه من

آدم و ذخیره من نوح و مصطفی و ابراهیم و صفوه من محمد صلی الله علیهم اجمعین ... (۱۲۷): ای مردم ما علیه کسانی که به ما ظلم کردند و حق ما را غصب کردند، از خدا و هرکس از مردم که دعوت ما را پاسخ گوید: یاری و کمک می خواهیم، ما اهل بیت پیامبر شما محمد (ص) هستیم، ما نزدیکترین مردم به خدا و محمد هستیم. هرکس درباره خدا با من مجاجه کند، پس من نزدیکترین مردم به خدا هستم. هرکس درباره آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی با من مجاجه کند پس من نزدیکترین مردم به آنها هستم.

پس از اتمام بیعت برای آن امام عزیز، قیام آن حضرت آغاز می گردد و از مکه شروع می کنند و در مدینه ادامه می دهند سپس در کوفه مقر حکومت خویش را بنا می نهند و مردم از اطراف و اکناف به سوی کوفه می شتابند. به دستور حضرت مسجد بزرگی در کوفه ساخته می شود.

دجال به دست حضرت کشته می شود و سپس قیام آن حضرت به فلسطین کشیده می شود که در آنجا سفیانی به دست حضرت نابود می شود و حضرت پیروز می گردند و در اینجاست که حضرت عیسی (ع) نازل می شوند و شاید دلیل ظهور حضرت عیسی (ع) تقویت جبهه امام زمان (عج) و از بین بردن شک و تردید نسبت به آن حضرت باشد، مخصوصاً که حضرت عیسی (ع) در نماز به آن حضرت اقتدا می کنند؛ ابو سعید خدری آورده است که پیامبر (ص) فرمودند: «منا الذی یصلی ابن مریم خلفه» (۱۲۸): کسی که فرزند حضرت مریم پشت سر او نماز می گذارد از ما است.

حذیفه بن یمان نقل می کند که پیامبر (ص) فرمودند: «یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کأنها یقطر من شعره الماء، فیقول المهدی: تقدم وصل بالناس، فیقول عیسی بن مریم: انما اقیمت الصلاه لک، فیصلی عیسی خلف رجل من ولدی. فاذا صلی قام عیسی حتی یجلس فی المقام فیبایعه» (۱۲۹): حضرت عیسی (ع) نازل می شوند گوئیا موهایش می درخشد امام (ع) به ایشان می فرماید، امامت کن و برای مردم نماز بخوان حضرت عیسی (ع) می گویند: امام جماعت شمائید، پس حضرت عیسی پشت سر امام زمان (عج) نماز می گذارند و پس از نماز با ایشان بیعت می نمایند.

سپس به طور معجزه آسا و به سرعت پیروزیهای بعدی صورت می گیرد و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) برقرار می گردد که این دولت دارای ویژگی هایی است.

۱۲. ویژگیهای دولت مهدوی

۱- دولت واحد جهانی است که لازمه آن داشتن مشارکت همه مردم عالم در یک دولت مرکزی است با مجلس و لشکر و قوه قضائیه.

امام باقر (ع) فرمودند: «اذا قام القائم ذهب دوله الباطل» (۱۳۰) و نیز فرمودند: «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب» (۱۳۱): حکومت آن حضرت شرق و غرب عالم را فرا می گیرد.

و نیز آن حضرت در تفسیر آیه ۱۴ سوره حج می فرماید: «الذین إن مکناهم فی الأرض أقاموا الصلوه و أتوا الزکاه و أمر بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الأمور، فرمودند: إن هذه الآیه تدل علی حکومت المهدی علیه السلام و الله تعالی یسلطه و اصحابه علی الشرق و الغرب الأظهار دین الله و القضاء علی البدع كما یحارب الجاهلون الحق، حتی لا یبقی اثر للظلم و یدعون الناس الی المعروف و ینهونهم عن الباطل و لله عاقبه الامور» (۱۳۲)

آیه شریفه درباره کسانی سخن می گوید که اگر در روی زمین قدرت به دست آورند نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر انجام می دهند. امام می فرماید این آیه درباره حکومت حضرت مهدی (عج) می باشد که خداوند او را به شرق و غرب عالم مسلط می سازد تا دین الهی همه جا منتشر شود و بدعتها پایان یابد تا اثری از ظلم نباشد، مردم را به معروف فرا می خواند و از منکر نهی می نماید و پایان همه چیز متعلق به پروردگار متعال است.

۲- عمران و آبادانی همه جا را فرا می گیرد: بشر به همه نعمت ها دست می یابد و انسانها به تکامل می رسند. پیامبر (ص) فرمودند: «تزید المیاه فی دولته و تمد الأنهار و تخرج الكنوز» (۱۳۳): در زمان حکومت آن حضرت آبها فراوان شوند و نهرهای طولانی جاری گردند و گنج ها از زمین آشکار شوند.

۳- عقول انسانها کامل می گردد. امام محمد باقر (ع) در این خصوص می فرمایند: اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به اصلاهم» (۱۳۴): هنگامی که امام زمان (عج) ظهور کنند ایشان دست مبارک را بر سر مردم می گذارند که با آن عقلهایشان کامل می شود.

۴- امام زمان (عج) اسرار عالم را مکشوف می سازند. که امام علی (ع) فرمودند: «یا کمیل ما من علم الا و انا افتحه و ما من سر الا و العقائم یختمه» (۱۳۵): ای کمیل هیچ علمی نیست مگر اینکه من آن را گشودم و سری ماند مگر اینکه امام زمان آن را می گشاید.

۱۳. اقدامات دولت مهدوی

این دولت جهانی که تنها حکومت روی زمین خواهد بود با برنامه های کلان و مؤثر در صحنه حاضر خواهد شد و برای رسیدن به اهداف بلند مهدوی تلاش ها و کوشش های شبانه روزی خواهد داشت با همه ظرفیت های فوق العاده ای که رهبر و کارگزاران این دولت دارند، امام صادق (ع) می فرمایند: «یاران حضرت قلبهایشان مانند تکه های آهن است و به هر یک از آنان نیروی چهل مرد بخشیده شده است» (۱۳۶) زیرا اجرای طرحی به عظمت دولت مهدوی نیرویی فوق العاده نیاز دارد و اگر کارگزاران آن حضرت از توانی بالاتر برخوردار نباشند نمی توانند در این طرح عظیم مشارکت داشته باشند. که علاوه بر برخورداری از بنیه ی قوی و توانمندی فکری و جسمی فعالیت و تلاش مضاعف نیز لازم است تا عدالت جهانی محقق شود و به هیچ کس ستم نشود و دانه ای از دهان مورچه ای به ستم ستانده نشود.

امام رضا (ع) فرمودند: «لو قد خرج قائمنا لم یکن إلا العلق و العرق و الثوم علی السروج و ما لباس القائم (ع) إلا الغیظ و ما طعامه إلا الجشب» (۱۳۷): هنگامی که امام زمان (عج) ظهور کنند، پیروزی به دست نمی آید مگر با زحمت و تلاش (خون و عرق) و استراحتی نیست مگر بر روی زین اسب و حتی خود امام (ع) نیز غلیظ می پوشد و غذای ساده می خورد. با مجموعه تلاش ها و فعالیت های طاقت فرسای آن حضرت و یاران بلند همت و ولایتمدار و دارای بصیرت، اهداف پنج گانه زیر در دولت مهدوی به صورت کاملاً مشهود محقق می شود و تحولی عظیم اتفاق می افتد که عبارتند از:

۱۴. تحول فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، قضائی

۱- تحول فرهنگی: یکی از نواقصی که در جوامع بشری دیده می شود و احتمالاً ریشه بسیاری از مشکلات می باشد، انحطاط و انحرافات فرهنگی است به این معنی که بنا به عللی علایق و سلیق جامعه سمت و سوی قهقراپی پیدا می کند و عرف جامعه بد عادت و کج عادت می شود طوری که رفتارهای غلط و خلاف عقل و خلاف شرع با توجیه و بدون توجیه پذیرفته شده و در سبب عملکرد مردم و مسئولین قرار می گیرد.

در دولت مهدوی در اثر اقدامات زیربنایی از انحرافات فرهنگی جلوگیری می شود و عادات غلط فرهنگی اصلاح می شود از جمله:

هدایت مردم، آشنا کردن مردم با قرآن، اصلاح رفتارهای غلط که موجب ایذاء دیگران است، احیای سنت پیامبر (ص) و مبارزه با فرهنگ غلط جاهلی، از بین بردن بدعت های غلط، تکمیل عقل و اخلاق مردم، احیای روح عبادت و عدالت، آموزش مردم برای پذیرش قوانین مدنی، گسترش رضایت و سعادت‌مندی در میان مردم، دمیده شدن ابتهاج و سرور در قلوب مردم طوری که اوقات آنها بهینه شود، قلوب مردم سرشار از بی نیازی می شود و کینه ها از سینه ها بیرون می رود، علم و دانش به شکوفایی می رسد، دین و حق ظاهر می گردد و ...

۲- تحول اقتصادی: در حکومت حضرت مهدی (عج) در اثر عوامل پیدا و پنهان، زمین و آسمان برکات خویش را نثار انسان خواهد کرد و فراوانی نعمت نگرانی ها را از ریشه بر خواهد کند، باران های با برکت و شکوفایی کشت و زرع، بهره برداری از همه سطح زمین طوری که زمین لم یزرع نخواهد بود، گسترش دامداری، هیچ فقیری نخواهد ماند و آبادانی همه جا را فرا

خواهد گرفت. تجارت و داد و ستد رونق کافی می یابد فقر و تنگدستی ریشه کن شده و دامداری و کشاورزی به اوج خود می رسد، علم و صنعت نیز در حد کمال نفوذ پیدا می کند و...

البته این وعده الهی است که می فرماید: «و لو أن أهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الأرض و لكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا يكسبون» (۱۳۸): اگر مردم آبادی ها ایمان آورده بودند و تقوا پیشه می ساختند بركات آسمان و زمین را به روی ایشان می گشودیم؛ اما تکذیب کردند و بر این اساس تقدیر شان صورت گرفت. در حکومت امام زمان (ع) در اثر قسط و عدل و تقوای پیاده شده عنایت پروردگار متعال شامل حال بشریت خواهد شد، بركات آسمانی نازل می گردد و آسمان سخاوتمندانه انعام خویش را به اهل عالم تقدیم می دارد. رعایت تقوا، احکام الهی و اجرای قسط و عدل و پرهیز از ستم و تبعیض، فزونی نعمت ها را به ارمغان می آورد.

۳- تحول اجتماعی، سیاسی و قضایی: سیاست صادقانه، عدالت اجتماعی و برقراری امنیت نوازشگرانه از مهمترین نتایج حکومت مهدویت است؛ طوری که در سایه این نظام سیاسی پویا و مقتدر چنان آسایش و امنیتی برقرار می گردد که حتی حیوانات نیز از خوی وحشی بر می گردند و انسانه ابا همه وجود لذت امنیت و آسایش و سعادت را تجربه می کنند و از داوری و قضاوت عادلانه و داوودی بهره مند می شوند.

۱۵. برخی از احادیث دوران ظهور

۱- پیامبر (ص) فرمودند: «کأنه من رجال بنی اسرائیل؛ فیستخرج الکنوز و یفتح مدائن الشریک» (۱۳۹): آن حضرت همانند قهرمانان بنی اسرائیل گنج ها را استخراج می کند و شهرهای جهان را تسخیر می نماید.

۲- فرمودند: «یبایع له الناس بین الرکن و المقام، یرد الله به الدین و یفتح له فتوح، فلا یبقی علی وجه الأرض آلا من یقول لا اله الا الله» (۱۴۰): مردم بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند، خداوند متعال به وسیله ایشان دین را احیا می کند و پیروزی ها به دست می آورد و در روی زمین جز لا اله الا الله گو باقی نمی ماند.

۳- امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۴۱ سوره حج: الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه. امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور: می فرمایند: هذه لآل محمد (ص) و المهدي و أصحابه، یملکم الله تعالی مشارق الأرض و مغاربها و ینظر الدین و بمیت الله عز و جل به و بأصحابه البدع و الباطل کما امات السّفَهه الحقّ، حتی لا یری أثر من الظلم و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و لله عاقبه الامور. (۱۴۱) آیه شریفه احوال کسانی را مطرح می فرماید که اگر قدرتی به دست آورند روی زمین نماز به پا می دارند و زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر انجام می دهند که خداوند متعال چنین مقدر فرموده است. امام باقر (ع) می فرمایند: اینها همان آل محمد (ص) می باشند حضرت مهدی (عج) و یارانش که خداوند متعال آنان را در شرق و غرب مسلط می سازد تا احکام و برنامه های دین به وسیله آنها پیاده بشود. بدعت و باطل از بین برود و اثری از ظلم نماند، اینها امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

۴- پیامبر (ص) می فرمایند: «أنه سیخرج الکنوز و یقسم المال و یلقى الإسلام بجرانه» (۱۴۲): در حکومت مهدی (عج) گنج ها استخراج می شود و اموال فراوان میان مردم تقسیم می گردد و اسلام به همه جا توسعه می یابد.

۵- از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «فتخرج الأبدال من الشام و أشباههم و یخرج الیه النجباء من مصر و عصائب اهل المشرق و أشباههم حتی یأتوا مکه فیبایع له بین زمزم و المقام ثم یرج متوجهاً الی الشام و جبریل علی مقدمته و میکائیل علی ساقته، یفرح به اهل السماء و أهل الأرض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر و تیزد المیاه فی دولته و تمدن نهار و تضعف الأرض أکلها و تستخرج الکنوز» (۱۴۳): قهرمانان و دلاوران از شام و مصر و جوانانی از مشرق حرکت می کنند تا به مکه برسند و بین زمزم و مقام با حضرت مهدی (عج) بیعت می کنند، سپس به سمت شام خروج می کنند درحالیکه حضرت جبرئیل پیشاپیش و حضرت میکائیل در کنار آنها است، اهل آسمان و زمین و پرندگان و درندگان و ماهیان دریا به آنان خشنودند، در دولت حضرت آب ها زیاد می شود درحالیکه نهرها به صورت طولانی جریان می یابد و زمین نعمت هایش را چند برابر می کند و گنج های آن استخراج می شوند.

۶- پیامبر (ص) فرمودند: «تتَّعِمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطَّ، تَرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَدْرَاراً وَ لَا يَزْرَعُ الْأَرْضُ شَيْئاً نِ الْبَنَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَ الْمَالُ كِدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِي! أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خذ» (۱۴۴) در زمان حضرت مهدی (عج) امت من به نعمتی می رسند که قبل از آن هرگز چنان متنعم نشده بودند، آسمان باران فراوان می بارد و هر چه در زمین کشت شود می روید و مال به قدری فراوان می شود که مردم هر چه قدر از حضرت درخواست کنند به آنان عطا می شود.

۷- و نیز فرمودند: «يُخْرِجُ الْمَهْدِيُّ فِي أُمَّتِي، يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثاً لِلنَّاسِ، تَنْعَمُ بِهِ الْأُمَّةُ وَ تَعِيشُ الْمَاشِيَةَ وَ تَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ يُعْطَى الْمَالُ صَحاحاً» (۱۴۵): مهدی (عج) قیام می کند ایشان باران رحمت الهی بر امت پیامبر (ص) است، امت پیامبر از ایشان بهره مند می شوند و چهارپایان در آسایش به سر می برند و زمین روئیدنی های خود را بیرون دهد و او مال را به طور مساوی میان مردم تقسیم نماید.

۸- و نیز فرمودند: «أَنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى تَقْتُلَ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ فَإِذَا قَتَلَتِ النَّفْسَ الزَّكِيَّةَ غَضِبَ عَلَيْهِمِنِ السَّمَاءِ وَ مِنْ فِي الْأَرْضِ فَأَتَى النَّاسَ الْمَهْدِيُّ فزَفَوْهُ كَمَا تَزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عَرَسِهَا وَ هُوَ يَمَلَأُ الْإِرْضَ قَسْطاً وَ عَدْلًا وَ تَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ تَمُطِرُ السَّمَاءُ مَطَرَهَا وَ تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وَلايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعَمْهَا قَسْطاً»: هنگامی که نفس زکیه به شهادت برسد هر که در آسمان ها و زمین است علیه قاتلان خشمگین می شوند سپس مردم کنار حضرت مهدی (عج) جمع می شوند و شادمانه گرد او حلقه می زنند، چنانکه در شب عروسی چنین هستند و آن حضرت زمین را از عدل و داد پر می کند، زمین روئیدنی ها را می رویند و آسمان رحمت خویش را می بارد و امت من از نعمت هایی برخوردار می شوند که تا به آن چنین نعمت هایی ندیده اند.

۹- حضرت علی (ع) فرمودند: «... و لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها و لذهبت الشعناء من القلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم، حتى تمشي المرأة بين العراق الى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات و على رأسها زينتها لا يهيجها سبع و لا تخافه لو تعلمون مالكم في مقامكم بين عدوكم و صبركم على ما تسمعون من الأذى لقرت أعينكم...» (۱۴۶): اگر قائم ما اها بیت قیام نماید (پس از برقراری حکومت عدل) آسمان باران خویش را فرو می ریزد و زمین روئیدنی ها را می رویند و غصه و غم از قلوب بندگان می رود و حیوانات و چهارپایان تربیت می شوند طوری که یک زن میان عراق تا شام به راه می افتد و در طول مسیر هر جا پا می گذارد نبات و گیاه است با زیورآلات خویش راه را می پیماید و از درنده و چرنده ای خوفی ندارد، اگر می دانستید که در میان دشمنان چه موقعیتی دارید و در برابر صبری بر اذیت آنان چه امتیازی کسب کرده اید، چشمانتان روشن می گردید.

۱۰- و نیز از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «... فَيَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ (ع) إِلَى أَمْرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَرعى الشاه و الذئب في مكان واحد و تلعب الصبيان بالحيات و العقارب لا يضرمهم شيء و يبقى الخير و يزرع الإنسان مدأ يخرج له سبعاً مة، كما قال الله تعالى: كمثل حبه أنبتت سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبه و الله يضاعف من يشاء و يذهب الربا و الزنا و شرب الخمر و الربا و تقبل الناس على العبادة و المشروع، والديانه و الصلاة في الجماعات و تطول الأعمار و تؤدى الأمانة و تحمل الأشجار و تتضاعف البركات و تهلك الأشرار و يبقى الأخيار و لا يبقى من يبعض اهل البت عليهم السلام» (۱۴۷): امام فرمودند: حضرت مهدی (ع) یاران و امیران خود را به سایر شهرها می فرستند تا در میان مردم به عدالت رفتار نمایند؛ (چنان تعادل برقرار می شود که) گرگ و گوسفند در یک جا نگهداری می شوند و کودکان با مارها و عقرب ها بازی می کنند و خطری متوجه آنها نیست، خیر و خوبی فراگیر می شود و گندم و دانه ای که کاشته می شود مصداق آیه شریفه ۲۶۱ سوره بقره هفتصد برابر بهره می دهد، ربا و زنا و شرب خمر و ربا از بین می رود و مردم به عبادت و امور شرع روی می آورند و دیانت و نماز جماعت عادتشان می شود، عمرها طولانی می گردد، امانت ها اداء می شود، درختان پربار می شوند برکات چند برابر می شوند، افراد شرور نابود می گردند، خوبان موقعیت می یابند و همه کسانی که هستند دوستداران اهل بیت می گردند.

۱۱- رسول اکرم (ص) می فرمایند: «تدوى اليه أمته كما تأوى النحلة يعسوبها، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً حتى يكون الناس على مثل امرهم الأول، لا يوقظ نائماً و لا يهريق دمأ» (۱۴۸): امتش به سوی او پناه می برند چنان که زنبوران عسل به ملکه خود پناهنده می شوند زمین را پر از عدل و داد می کند آنگونه که پر از جور و ستم گشته بود خفته ای را بیدار نکند و خونی را نریزد.

۱۲- امام صادق (ع) فرمودند: «آته يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و تظهر الكنوز و لا يبقى في الارض خراب آلا يعمره» (۱۴۹): حکومت او شرق و غرب جهان را فر خواهد گرفت و گنجینه های زمین برای او ظاهر می شود و در سراسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر آن را آباد خواهد ساخت.

۱۳- امام باقر (ع) می فرمایند: «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد، فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم» (۱۵۰): پس از ظهور حضرت دست مبارک بر سر مردم می کشند و با همین عقل ها و اندیشه های مردم جمع و کامل می شود.

۱۴- امام صادق (ع) فرموده اند: «إن قائمنا اذا قام مد الله عز و جل لشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید، يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه» (۱۵۱): زمانی که قائم ما قیام کند شیعیان ما چنان قدرت شنوایی و بینایی پیدا می کنند که میان آن حضرت و شیعیانش پیکی لازم نیست او سخن می گوید و این ها می شنوند و ایشان را می بینند در حالیکه آن حضرت سر جای خویش است.

۱۵- امام صادق (ع) می فرمایند: العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام القائم عليه السلام أخرج الخمسة و العشرين حرفاً مبهتها في الناس و ضم اليها الحرفين حتى يبتها سبعة و عشرين حرفاً» (۱۵۲): کل علم بیست و هفت حرف است که همه پیامبران بیش از دو حرف آن را ارائه ننموده اند و مردم تا به حال بیش از این دو حرف نمی دانند، پس هنگامی که امام قائم ما قیام نمایند بیست و پنج حرف دیگر استخراج شده و در اختیار مردم قرار می گیرد و دو حرف مکشوف نیز اضافه شد تا به بیست و هفت حرف برسد.

بر اساس این پانزده روایت پس از ظهور حضرت و استقرار دولت مهدوی وقایع زیر اتفاق خواهد افتاد:

- ۱- جهانی شدن قیام و حکومت مهدوی.
- ۲- اسلام دین غالب مردم جهان خواهد شد.
- ۳- اسلام ناب پیاده شده و بدعت و باطل از بین می رود.
- ۴- ثروت و سرمایه (گنج) عظیم در اختیار دولت خواهد بود.
- ۵- مکه پایگاه اصلی و خواستگاه قیام حضرت خواهد بود.
- ۶- همگان از قیام و دولت حضرت راضی خواهند بود.
- ۷- آسمان و زمین برکات خویش را عرضه می کنند.
- ۸- مردم به هر میزان که نیاز داشته باشند از خزانه دولت دریافت می کنند.
- ۹- وحوش و حیوانات نیز از انعام و عدالت دولت مهدوی برخوردار و شادند.
- ۱۰- قسط و عدل جدی ترین اقدام حضرت مهدی (عج) می باشد.
- ۱۱- امنیت کامل برقرار می شود طوری که یک زن از عراق تا شام با حلیه و جواهرات خویش بدون نگرانی سفر می کند.
- ۱۲- با اعجاز یا قدرت علم انبیت سبع سنابل واقع می شود.
- ۱۳- حتی حیوانات با یکدیگر مهربان می شوند.
- ۱۴- عبادت و عمل مشروع عادت مردم می شود.
- ۱۵- ربا و زنا و ریا و شرب خمر ریشه کن می شود.
- ۱۶- حبّ اهل بیت (ع) عالمگیر می شود.
- ۱۷- مردم با حضرت مهدی (ع) عاشقانه بیعت می نمایند.
- ۱۸- همه جا آباد می شود و هیچ فضای خرابی باقی نمی ماند.
- ۱۹- هیچ قطعه زمینی بدون مصرف باقی نمی ماند.
- ۲۰- با عنایت حضرت مردم به کمال اندیشه و خردورزی می رسند.
- ۲۱- تکنولوژی و صنعت به اوج خود می رسد و حضرت از مقرر فرماندهی خویش همه سطح زمین را مدیریت می فرمایند.
- ۲۲- همه ابواب و اجزاء علم کشف و در اختیار مردم قرار می گیرد.

۲۳- ...

۱۶. نتیجه گیری

با توجه به ویژگیهای حکومت مهدوی که از منابع اسلامی استخراج گردیده است حکومت حضرت امام مهدی (ع) به عنوان آخرین و کاملترین حکومتی است که به طور گسترده در جهان پیاده خواهد شد و از همه امکانات موجود برای برقراری یک نظام عادلانه و پیچیده استفاده خواهد شد و کمال این حکومت فاخر به حدی است که حتی با الگو گیری محدود از بخشهای متنوع آن می توان حکومتی مطلوب سامان داد که انسانها با زندگی در سایه سار آن احساس عزت و سربلندی نمایند که در نوشته حاضر سعی شده بود بر اساس الگوی حکومت امام زمان (عج) با تحلیل و تبیین ارکان حکومت مشخص شود که کدامین عوامل برای تأسیس یک حکومت فاخر نقش کلیدی دارند؟ البته نتیجه حاصله عبارت شد از اینکه حاکم، مردم و قانون سه محور اصلی برای رسیدن به یک حکومت تأثیرگذار هستند.

با تحلیل این سه عامل مشخص گردید که برای الگوپذیری از حکومت آن حضرت می بایست فرد یا افرادی با ویژگیهای برجسته به عنوان حاکم انتخاب شوند طوری که حتی اگر لازم است این افراد تحت تعلیم قرار گرفته و شایستگیهای لازم را به دست آورند، نیز معلوم گردید که به دلیل نقش انکار ناپذیر مردم در میزان موفقیت دولتها و حکومتها شرایط اجتماعی باید طوری تنظیم شود که افراد جامعه به درک و شعور سیاسی بالایی دست پیدا کنند و در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی نقش فعالی داشته باشند، همچنین تأثیر قوانین اصولی و کامل در جامعه غیر قابل اغماض است که نقشه راه افراد متعهد برای تعالی جامعه خواهد بود.

بنابراین پیشنهاد می گردد

- ۱- در ساختار حکومت اسلامی، حکومت مهدوی به عنوان هدف نهایی لحاظ گردد.
- ۲- از اجزاء حکومت مهدوی به عنوان الگوی عملی به میزان ممکن استفاده شود.
- ۳- تکنولوژی و صنعت از ابزارهای مهم حکومت مهدوی است، بنابراین سمت و سوی حرکت جامعه اسلامی بایستی کاملاً علمی باشد.
- ۴- در حکومت مهدوی همه افراد نقشی پر رنگ دارند پس در جامعه اسلامی نباید از توان آحاد مردم غفلت شود.
- ۵- تحلیل و تبیین و خردورزی لازمه یک حکومت پویا است، در جامعه اسلامی بایستی همه چیز تبیین و تحلیل شود تا اندیشه ها به پویایی برسد.
- ۶- ...

پی نوشت ها

- ۱- ((نهج البلاغه، نامه امام به مالک اشتر))
- ۲- ((فرهنگ معین))
- ۳- ((لسان عرب))
- ۴- ((نگاه کنید به مفردات و مجمع البیان))
- ۵- ((فرهنگ فلسفی، صص ۳۲۲ و ۳۲۳))
- ۶- ((۳۸/۲۶))
- ۷- ((اطیب البیان، ج ۲، ص ۴۰۱))
- ۸- ((وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷))
- ۹- ((کافی، ج ۸، ص ۲۹۷، ح ۴۵۶))
- ۱۰- ((مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷))
- ۱۱- ((نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۴۰، ص ۸۲))

- ۱۲ - ((توبه / ۳۳))
- ۱۳ - ((نساء / ۱۰۵))
- ۱۴ - ((کافی، ج ۱، ص ۵۱۴ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸، ح ۷))
- ۱۵ - ((کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۷))
- ۱۶ - ((الغیبه النعمانی، ص ۲۱۴، ح ۲))
- ۱۷ - ((الغیبه النعمانی، ص ۲۳۹، ح ۳۱))
- ۱۸ - ((کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲))
- ۱۹ - ((روضه الواعظین، ص ۹۷))
- ۲۰ - ((کمال الدین، ص ۲۸۷، ح ۵))
- ۲۱ - ((املام الوری، ص ۴۲۶))
- ۲۲ - ((کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۲))
- ۲۳ - ((حجر / ۳۸))
- ۲۴ - ((تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۰۶))
- ۲۵ - ((کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱))
- ۲۶ - ((کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶))
- ۲۷ - ((کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷))
- ۲۸ - ((ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۹. البرهان فی تفسیر القرآن، ح ۳، ص ۸۴))
- ۲۹ - ((ینابیع الموده، ج ۳، ص ۷۶ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵))
- ۳۰ - ((غیبت نعمانی، ص ۳۱۵، باب ۲۰، ح ۲))
- ۳۱ - ((بحار، ح ۵۲، ص ۳۶۹))
- ۳۲ - ((غیبت نعمانی، ص ۳۱۵، باب ۲۰، حدیث ۱۰))
- ۳۳ - ((معجم احادیث الامام المهدي (ع)، ج ۳، ص ۱۰۰))
- ۳۴ - ((معجم، ج ۳، ص ۲۹۰))
- ۳۵ - ((غیبه النعمانی، ص ۳۱۳، باب ۲۰، ح ۳))
- ۳۶ - ((بحار الانوار، ص ۳۰۸، ح ۸۲))
- ۳۷ - ((بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، حدیث ۱۰، باب ۲۷))
- ۳۸ - ((غیبت نعمانی، ص ۳۱۷، ح ۱۱))
- ۳۹ - ((الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۰))
- ۴۰ - ((بحار، ح ۵۲، ص ۳۰۴))
- ۴۱ - ((بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۴))
- ۴۲ - ((بحار الانوار، ح ۵۲، ص ۳۶۲))
- ۴۳ - ((القول المختصر، ص ۲۰))
- ۴۴ - ((کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴))
- ۴۵ - ((بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳))
- ۴۶ - ((الغیبه النعمانی، ص ۲۸۵، باب ۱۴، ح ۶۷))
- ۴۷ - ((الجامع الصغير للسيوطی، ج ۲، ص ۵۴۶))
- ۴۸ - ((عقد الدرر، صص ۲۲۹ و ۲۳۰))

- ۴۹ - ((کافی، ج ۸، ص ۲۸۷))
 ۵۰ - ((کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۰))
 ۵۱ - ((تفسیر البرهان، ج ۳، ص ۹۶))
 ۵۲ - ((منتخب الأثر، ص ۴۷۲، ج ۳))
 ۵۳ - ((کافی، ج ۱ - کتاب العقل، ج ۳۱))
 ۵۴ - ((مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۵۰))
 ۵۵ - ((بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۶، ج ۲۰۲))
 ۵۶ - ((بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹))
 ۵۷ - ((اعراف / ۹۶))
 ۵۸ - ((عقد الدرر، ص ۲۲۲))
 ۵۹ - ((کشف الاستار، ص ۱۲۵))
 ۶۰ - ((ینابیع الموده، ص ۴۲۵))
 ۶۱ - ((الملاحم و الفتن، ص ۶۹، ب ۱۴۶))
 ۶۲ - ((عقد الدرر، ص ۱۴۹، ب ۷))
 ۶۳ - ((حلیه الابرار، ج ۲، ص ۷۰۵، ب ۵۴))
 ۶۴ - ((عقد الدرر، ص ۱۵۵، ب ۷))
 ۶۵ - ((الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶))
 ۶۶ - ((کشف الأستار، ص ۱۴۵ و ۱۴۶))
 ۶۷ - ((الملاحم و الفتن، ص ۷۰، ب ۱۴۸))
 ۶۸ - ((اسعاف الراغبین، باب دوم، ص ۱۴۰))
 ۶۹ - ((کافی، ج ۱، ص ۲۵))
 ۷۰ - ((مختصر البصائر، ص ۱۱۷))
 ۷۱ - ((بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶))

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی، الغیبه نعمانی، مترجم، محمد جواد غفاری، صدوق، ۱۳۷۶.
۴. ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی الرازی، کافی، دار صعب، بیروت، ۱۴۰۱ ه ق.
۵. خصال یاوران مهدی عج، وزارت ارشاد اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۶. زین العابدین خان کرمانی، صراعق البرهان، سعادت، ۱۳۸۱، ج ۱
۷. سید ابراهیم موسوی زنجانی، اثبات الحجه علائم ظهور، بوزرجمهری مصطفوی، ۱۳۴۴
۸. سید ابوالفضل موسوی زنجانی، موعودجهانی، بعثت، ۱۳۹۶
۹. سید اسدالله شهیدی، زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی، کتابفروشی المهدی، ۱۳۶۴
۱۰. سیدین طاووس، الملاحم و الفتن، اسلامیه، ۱۳۶۰
۱۱. سید حسین موسوی ارومی، تحفه الشیعه در اثبات رجعت، حقیری، ۱۳۵۸
۱۲. سید صادق شیرازی، امام مهدی عج در قرآن، پیام اسلام، ۱۳۵۸
۱۳. سید صدرالدین صدر، المهدی امام دوازدهم، اسلامیه، ۱۳۴۳

۱۴. سیدمحمد صدر، امام مهدی عج و غیبت صغری، جهان آرا
۱۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، نام کتاب: او خواهد آمد، دارالتبلیغ اسلامی
۱۶. سیدمحمدعلی گلستانه، وسائل فی اثبات الحق و اذهاق الباطل، مطلع مظفری، ۱۳۳۹
۱۷. سیدمحمد طالقانی، آینده بشریت از نظر مکتب ما، میلاد ۱۳۳۶
۱۸. سیدمصطفی کاظمی آل حیدر، نویداسلام، محمدعلی علمی، ۱۳۲۳
۱۹. سیدمهدی شجاعی، خداکندتوییایی، برگ، ۱۳۶۷
۲۰. شهید سیدمحمدباقر صدر، امام مهدی عج حماسه ای از نور، موسسه الامام مهدی عج، ۱۳۹۸ ق
۲۱. شهید سیدعبدالحسین دستغیب، مهدی موعود عج، کانون تربیت شیراز، ۱۳۶۲
۲۲. شهید سیدمحمدباقر صدر شهید مطهری، مجموعه ای از گفتار درباره مهدی ع، مسجد صدریه، ۱۴۰۰ ق
۲۳. شهید مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی؛ صدرا
۲۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، اسلامیه، ۱۳۷۸ ق
۲۵. شیخ طوسی، تحفه قدسی " در علائم ظهور مهدی عج "، اسلامیه، ۱۳۵۰ ش
۲۶. شیخ مفید، ده انتقاد و پاسخ؛ راه امام، ۱۳۶۱ ش
۲۷. صادق حسینی شیرازی، موعود قرآن، بنیاد بعثت، ۱۳۶۰ ش
۲۸. علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، چند مقاله درباره امام مهدی ع، دارالتبلیغ اسلامی
۲۹. علامه محمدباقر مجلسی، رجعت، رسالت قلم، ۱۳۶۷ ش
۳۰. علی حائری یزدی، چهره درخشان امام زمان ج ۱، فرهانی، ۱۳۵۷ ش
۳۱. علی کورانی، عصر ظهور، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش
۳۲. کمال الدین، مهدی عج اهل بیت، مدرسه چهل ستون
۳۳. لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت ج ۲، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش
۳۴. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، السیده المعصومه، قم، ۱۴۱۹ ه ق.
۳۵. لطف الله صافی، پاسخ ده پرسش، اندیشه، ۱۳۵۷ ش
۳۶. محمد بن الحسن الطوسی، الغیبه طوسی، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ ه ق.
۳۷. محمد حکیمی، عصر زندگی آینده انسان و اسلام، هاتف " هجرت "، ۱۳۷۱ ش
۳۸. محمد محمدی ری شهری، تداوم انقلاب ایران تا انقلاب مهدی ع، یاسر، ۱۳۶۰ ش
۳۹. محمدابن ابی الفضل الملقب به گل، الوسائل فی اثبات الحق وانضاق الباطل، مطبعه برجیس، ۱۳۳۹ ق
۴۰. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۳
۴۱. محمدبن حسن حرعاملی، اثبات الهداه ج ۷، دارالکتب الاسلامیه، احمد جنتی، ۱۳۶۶ ش
۴۲. محمدرضا حکیمی، بعثت، غدیر، عاشورا، امام مهدی عج، فجر
۴۳. ملا محسن فیض کاشانی، شوق مهدی عج، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ق
۴۴. مهدی فقیه ایمانی، مهدی منتظر در نهج البلاغه، کتابخانه امام امیرالمومنین ع، ۱۴۰۳ ق
۴۵. ناصر مکارم شیرازی، بیاد مهدی، مهر، ۱۴۰۴ ق
۴۶. نجم الدین طبری، چشم اندازی از حکومت مهدی عج، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۳ ش
۴۷. هیئه العلمیه، معجم احادیث الامام المهدی، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه ق.

The Analysis of Efficient Social System

Reza Moradi khalifehloo, Mahdiah Amrollahinian

Ph.D student of Philosophy and Islamic Theology and Faculty Member of Islamic Azad University (Corresponding Author)

M A of Law and Principles of Islamic Law, Islamic Azad University relic of Imam

Abstract

State and government that has a pivotal role in the fate of nations, has a paramount importance. The states and governments provide context and the conditions for communities' growth and development, and the criteria of progress and development will not be achieved except with the help of the sovereign government. So, happiness and misery of nations depend on the authenticity and authority of the governments, so that no nation reaches its perfection, unless in the shadow of a glorious and exalted government.

Of course, all nations look for to sovereignty of a government with all the superior features to eliminate a basic lack of community and it is clear that, historically, different nations have followed the great ideal and of course, this important matter can be shown in the historical struggle of the people, clearly. But, in this long struggle, the limitless whims of weak people, or the lack of a suitable model has lost the opportunities to the wind and destroyed the wishes.

Components of the greatest government of Imam Mahdi (aj), which are in the resources, are at our disposal for theoretical facing with a very rich and influential and ideal government, so that we can select it as an aim for our efforts and move toward it that surely, the transcendental government, as a symbol of activities and efforts will affect the components of the attempt by the governments, and will be effective to modify them.

People, ruler and authorities and law are considered the elements of governments that its unique sample has happened to the rule of Hazrat Mahdi (as) and all the constituent elements in this government are together quite logically and ideally, to display a highlighted government.

Keywords: structure, governance, government, Mahdism and the emergence.
